



بررسی زمین‌شناسی ساختاری گسل سروستان در زاگرس چین خورده، جنوب غرب ایران

سربی، محمدرضا (۱) * سامانی، بابک (۲) شبانی، علی محمد (۳)

(۱) کارشناس ارشد تکتونیک از دانشگاه شیراز mrsorbi@gmail.com

(۲) کارشناس ارشد تکتونیک از دانشگاه شیراز babak65bs@yahoo.com

(۳) کارشناس ارشد تکتونیک از دانشگاه شیراز ali.shabani@gmail.com

چکیده

گسل سروستان باروندعمومی $N25W$ ، در جنوب کمربند چین خورده ساده زاگرس و به موازات و در شرق گسل کره بس واقع است. مکانیسم آن راستالغز راستگرد همراه با مولفه شیب لغز معکوس می‌باشد. تغییرات جانبی رخساره ها و جابجایی هادر سوبات آبرفتی کوآترنردلیلی بر فعالیت این گسل حداقل از زمان کرتاسه بالایی تا امروز است. جهت پی بردن به مکانیسم و نوع حرکت گسل، علایم و شواهد نئوتکتونیک، چینه‌شناسی و سائیزموتکتونیک مورد بررسی قرار گرفته اند. نتایج این بررسی هانشان می‌دهند که گسل سروستان، راستالغز راستگرد همراه با مولفه شیب لغز معکوس بوده و توانایی تولید زمینلرزه با بزرگی بیش از 6.5 را دارد.

۱- مقدمه

در مناطق برخوردی، نیروهای فشارشی موجب کوتاه‌شدگی، چین خوردگی و تشکیل گسله‌های معکوس می‌شوند. پهنه چین خورده-تراست زاگرس نتیجه همگرایی فعال بین صفحات عربی و اوراسیا در راستای $NNW-SSE$ (Tatar te al., 2002) با سرعت 22 mm/y (Bayer et al., 2002) تا 35 mm/y (DeMets et al., 1990) از ژوراسیک پایانی - کرتاسه آغازی تا به امروز (Sengor, 1990) می‌باشد. جهت این همگرایی به روند $NW-SE$ کمربند کوهزایی زاگرس اریب بوده و شامل حدود 50 تا 90 کیلومتر کوتاه‌شدگی در راستای $NE-SW$ (McQuarrie, 2004) و بین 50 تا 70 کیلومتر حرکات راستالغز در راستای گسل اصلی زاگرس ($NW-SE$) می‌باشد (Talebian and Jackson, 2002). روند عمومی $NW-SE$ زاگرس، راستای محور چین‌ها، راستا و شیب گسله‌های معکوس و امتداد لغز همگی مستقیماً متأثر از این همگرایی است. در شمال غرب زاگرس همگرایی اریب، به دو مولفه کوتاه‌شدگی و امتداد لغز تفکیک می‌شود در حالی که در جنوب غرب زاگرس، جاییکه همگرایی عمود به زون تراستی است اثری از حرکات امتداد لغز وجود ندارد. تغییر شرائط تکتونیک از شمال غرب به جنوب غرب زاگرس نیازمند یک کشیدگی در طول راستای کمربند زاگرس است که با سیستم‌های گسلی راستگرد بین مدار 51 تا 53 درجه شرقی، در صورتی که آنها نسبت به محور قائم خلاف عقربه‌های ساعت حرکت کنند ایجاد می‌شود (Talebian and Jackson, 2002).